



بسم الله الرحمن الرحيم
اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين وأشرح فيه ضنري
بإيابة الْمُخْتَبِينَ بِأَمَانِكَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ.
خدا یا روزی کن مرا در آن فرمانبرداری فروتنان و بگشا
سینهام در آن به بازگشت دلدادگان، به امان دادنت، ای
امان ترسیدگان.



میلاذ جلیلزاده

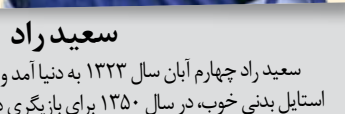
سال ۱۴۰۳ بسیار عجیب بود. ۱۲ ماه بود اما به اندازه سال‌ها ماجرا داشت. ممکن است در هر سال چنین جملات و توصیقاتی درباره آنچه گذشت بشنویم که عجیب دوره پرماجرایی شد، چقدر سال عجیبی بود... اما این بار اگر به سالی که گذشت می‌گوییم عجیب و پرماجرا، همه اتفاق نظر دارند که حتی ذره‌ای مبالغه در کار نیست. در سالی که گذشت به قدری اتفاقات عجیب رخ داد که فرصت حیرت یا سوگواری را از همه می‌گرفت. امسال پر بود از سوگواری‌های بهت‌آور که غالباً پیرون از عالم هنر اتفاق افتادند و همه این موارد باعث شد بعضی از اخبار تلخ، چنانکه واقعاً سبب سوگواری هستند، به چشم ما نیایند. هنرمندان زیادی را در سال ۱۴۰۳ از دست دادیم که فقدان بعضی‌هایشان ناپهناگ بود و بعضی دیگر سن و سالی داشتند اما مدتی می‌شد که کمتر به آنها فکر می‌کردیم و ناگهان وقتی از دست‌شان دادیم، یادمان افتاد که چه کسی را از دست دادیم. درگذشت بعضی چهره‌ها هم نمادی بود از پایان یک دوران؛ پایان یک نسل و یک سبک از بازیگری، دوبله، خوانندگی.

یادی از هنرمندان در گذشته سال ۱۴۰۳ همنشینان همیشگی خاطرات ما رفتگان ماندگار

مدیریت فرهنگی و امثال آن. حالا که سال ۱۴۰۳ با همه تلخی‌ها و شیرینی‌هایش و با تمام افتخارات و شرم‌هایش رو به پایان است، اگر برگردیم و نگاهی بیندازیم به فهرست کسانی که امسال از میان هنرمندان ایرانی درگذشتند، هم به این اندیشه فرو خواهیم رفت که در تمام شلوغی‌های این دنیا مرگ و زندگی چقدر همیشگی و فارغ از اهم و مهم ما به راه خودشان ادامه می‌دهند و هم فرصتی پیدا کرده‌ایم برای مرور وضعیت نسل‌های هنری در ایران امروز. در ضمن به عنوان ایرانیان مسلمان، ما باید در پایان هر سال درگذشتگان را یاد کنیم و جای‌شان را خالی نگه داریم و قدر دان زحمات‌شان باشیم. سال‌ها بعد در تقویم‌های مناسبتی و روزشمار می‌نویسند که در فلان روز از سال ۱۴۰۳، این هنرمند و آن هنرمند درگذشتند و آن یکی هنرمندان دیگر به دنیا آمدند. ما امروز تنها از فقدان آنها می‌گوییم که درگذشتند باخبریم و نمی‌دانیم از میان کودکان تازه متولد شده، کدام‌شان قرار است جای هر یک از این درگذشتگان را بگیرد. این قاعده هستی است. در ادامه مدوری داریم به فهرستی کلی از هنرمندان ایرانی درگذشته سال ۱۴۰۳. امید که تا پایان سال نام دیگری بر این فهرست اضافه نشود و زندگان هم قدر ببینند و شاد باشند.

رضا داوودنژاد

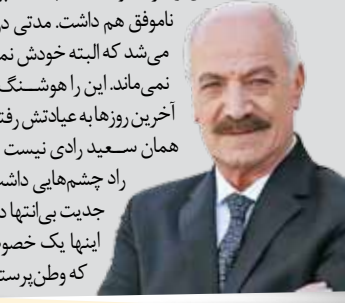
رضا داوودنژاد جوان‌ترین چهره مشهوری بود که در سال ۱۴۰۳ چشم از جهان فرو بست. او ۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ متولد شد و به واسطه پدرش، علیرضا داوودنژاد توانست از سال ۱۳۶۵ با فیلم «بی‌پناه» وارد سینما شود. رضا داوودنژاد در سال ۱۳۸۱ با سریال محبوب «پشت کنکوری‌ها» بیش از پیش شناخته شد و پس از آن هم در چندین سریال مطرح عامه‌پسند نقش‌هایی را ایفا کرد. این بازیگر در جوانی و هنگام خدمت سربازی، برای اینکه بتواند معافیت بگیرد تصمیم گرفت خودش را چاق کند اما این چاقی مفراط



رضا داوودنژاد

سعید راد

سعید راد چهارم آبان سال ۱۳۳۲ به دنیا آمد و به دلیل برخورداری از چهره و استایل بدنی خوب، در سال ۱۳۵۰ برای بازیگری در سینما انتخاب شد. او دوران موفقی در سینمای پیش از انقلاب داشت و فیلم‌های صبح روز چهارم و تنگنا را می‌توان از آثار معروف او نامید که عمدتاً آثار آبرومند کارگردان موح بود. با این حال فعالیت این بازیگر در سال ۱۳۶۳ ممنوع شد و تا سال ۱۳۸۲ حضوری در سینمای ایران نداشت. او در سینمای پس از انقلاب با فیلم‌های «عقاب‌ها»، «گیرنده»، «چ» و همچنین سریال «در چشم پاره خوش درخشید. سعید راد این اواخر حدود ۱۰ ماه به علت بیماری بستری بود و یک عمل ناموفق هم داشت. مدتی در خانه سالمندان از او مراقبت می‌شد که البته خودش نمی‌دانست آنجا کجاست و گرنه نمی‌ماند. این راه‌شوگ گلمکلی گفته است که در آخرین روزهای به عیادتش رفته بود و می‌گفت تصویر او دیگر همان سعید رادی نیست که همه در ذهن دارند. سعید راد چشמהایی داشت که حقیقتاً گیج‌ا بودند. یک جدیت بی‌انتهای در چهره‌اش بود اما غیر از همه اینها یک خصوصیت ممتاز دیگر هم داشت که وطن‌پرستی عیاش بود.



سعید راد

زهرا خوشکام

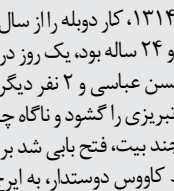
زهرا خوشکام معروف به زری خوشکام مادر لیلا حاتمی، بازیگر مشهور و همسر علی حاتمی، کارگردان خاطره‌ساز سینمای ایران است. خوشکام یکی از بازیگران پیش از انقلاب سینمای ایران بود که ۱۵ اردیبهشت ۱۳۴۶ به دنیا آمد. او بازیگری را از سال ۱۳۵۰ شروع کرد و به شهرت بسیاری رسید اما پس از ازدواج، علی حاتمی از او خواست که بازی در آن نوع سینما را کنار بگذارد. پس از آن ایس بازیگر به صورت گزینش شده، نقش‌های کوتاهی در آثار همسر و خانواده‌اش ایفا کرد. روی همین حساب خوشکام پس از تولد تنها فرزندش لیلا حاتمی در ۹ مهر ۱۳۵۱ عملاً از سینما کنار کشید و تا پیش



زهرا خوشکام

فتح‌الله طاهری

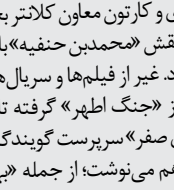
فتح‌الله طاهری بازیگر و تعزیه‌خوانی بود که در ۱۷ آبان ۱۳۳۱ چشم به جهان گشود. او تعزیه‌خوانی را از ۱۲ سالگی در گرمسار شروع کرد و سپس کار حرفه‌ای نمایش را از سال‌های آخر دهه ۴۰ با بازی در نمایش‌هایی در تماشاخانه‌های لاله‌زار پی گرفت و در زمینه هنر بازیگری از شاگردان مجید شهباز و محمد ابطحی بود. نخستین فیلم سینمایی این بازیگر، عاشورایی دیگر در کربلا می‌باشد که سال ۱۳۶۰ ساخته و اکران شد. فتح‌الله طاهری عمدتاً نقش‌های کوتاهی را در آثار مختلف سینمایی و



فتح‌الله طاهری

سید صدرالدین حجازی

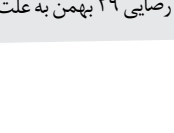
سید صدرالدین حجازی متولد ۱۶ مرداد سال ۱۳۲۷ بود. پدرش کسوت روحانیت داشت و خودش با عشق به تعزیه وارد کار نمایش شد. او در سال ۱۳۴۴ آغاز کرد. وقتی او ۲۴ ساله بود، یک روز در منزل کلووس دوستدار، به همراه افراد دیگری از جمله حسن عباسی و ۲ نفر دیگر از بزرگان دوبله آن روزگار میهمان بود که دیوان شمس تبریزی را گوشود و ناگه چند بیت از اشعار مولانا را با صدای بلند خواند که همین چند بیت، فتح بابی شد برای ورود به دنیای سینما و دوبلاژ. فردای آن روز، او توسط کلووس دوستدار، به ایرج دوستدار که در آن زمان مدیر دوبلاژ استودیو مولن‌روز بود، معرفی شد و کار دوبله را آغاز کرد. صدای او در سریال کارگاه در، که اثرش سری و کارتون معاون کلاتر خوبی شناخته شده است و همچنین در سریال مختارنامه نقش «محمدین حقیقه» بازی محمد رضا شریفی‌نیا را هم اجرا کرد. غیر از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی در بسیاری از آثار ایرانی، از «جنگ اطهر» گرفته تا «پدیدهان» و «پوتین» و «بلندی‌های صفر» سرپرست گویندگان بود. او شعر هم می‌گفت و فیلمنامه هم می‌نوشت؛ از جمله «بهار در بهار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده که سال ۶۶ جلوی دوربین رفت. رضایی ۲۹ بهمن به علت کپولت سن درگذشت.



سید صدرالدین حجازی

ایرج رضایی

ایرج رضایی متولد مهرماه ۱۳۱۴، کار دوبله را از سال ۱۳۳۸ و مدیریت دوبلاژ را از سال ۱۳۵۸ آغاز کرد. وقتی او ۲۴ ساله بود، یک روز در منزل کلووس دوستدار، به همراه افراد دیگری از جمله حسن عباسی و ۲ نفر دیگر از بزرگان دوبله آن روزگار میهمان بود که دیوان شمس تبریزی را گوشود و ناگه چند بیت از اشعار مولانا را با صدای بلند خواند که همین چند بیت، فتح بابی شد برای ورود به دنیای سینما و دوبلاژ. فردای آن روز، او توسط کلووس دوستدار، به ایرج دوستدار که در آن زمان مدیر دوبلاژ استودیو مولن‌روز بود، معرفی شد و کار دوبله را آغاز کرد. صدای او در سریال کارگاه در، که اثرش سری و کارتون معاون کلاتر خوبی شناخته شده است و همچنین در سریال مختارنامه نقش «محمدین حقیقه» بازی محمد رضا شریفی‌نیا را هم اجرا کرد. غیر از فیلم‌ها و سریال‌های خارجی در بسیاری از آثار ایرانی، از «جنگ اطهر» گرفته تا «پدیدهان» و «پوتین» و «بلندی‌های صفر» سرپرست گویندگان بود. او شعر هم می‌گفت و فیلمنامه هم می‌نوشت؛ از جمله «بهار در بهار» به کارگردانی مهدی فخیم‌زاده که سال ۶۶ جلوی دوربین رفت. رضایی ۲۹ بهمن به علت کپولت سن درگذشت.



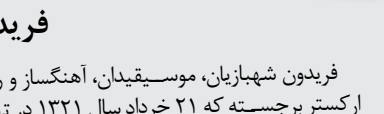
ایرج رضایی

مسعود اسکویی

مسعود اسکویی گزارشگر، مجری و کارشناس برنامه‌های ورزشی رادیو و تلویزیون ۱۲ اردیبهشت امسال در ۸۴ سالگی درگذشت و از آنجا که زمان فوت او موازی با بخشی از ملتبه‌ترین اتفاقات کشور بود، این خبر چندان مورد توجه قرار نگرفت. اسکویی از سال ۱۳۴۵ به استخدام سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران درآمد و با گزارش بازی دوستانه فوتبال سال ۱۳۵۰ بین تیم‌های پرسپولیس و کویت وارد عرصه گزارشگری شد. او پس از آن به همکاری با برنامه ورزش از نگاه ۲ پرداخت و در سال ۱۳۶۰ به رادیو رفت و با تأسیس رادیو ورزش گزارش مسابقات و برنامه‌های ورزشی را ادامه داد. مسعود اسکویی دوره تهیه‌کنندگی برنامه‌های تلویزیونی را در تلویزیون آلمان گذرانده بود و یک سال در شهرهای زونه گورگ و ماینس با تلویزیون آلمان همکاری داشت. او که به دلیل شکستگی ناحیه‌لگن و پا در فروردین ۱۴۰۳ در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان لاله بستری شده بود، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ درگذشت و مراسم تشییعش در مسجد بلال صدا و سیما ایران برگزار و در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

محمدعلی بهمنی

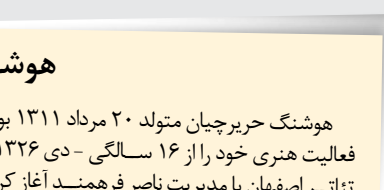
محمدعلی بهمنی یکی از شاعرانی بود که اکثر مردم ایران نامش را شنیده بودند. روزگاری بود که شاعران ارج و قرب زیادی بین مردم ایران داشتند اما هرچه به زمانه اخیر نزدیک‌تر شدیم، این قضیه کم‌رنگ‌تر شد و محمدعلی بهمنی یکی از آخرین کسانی بود که در این مقیاس وسیع برای اکثر مردم با نام و عنوان شاعر شناخته می‌شد. او در جایگاه مجله روشنفکر با فریدون مشیری آشنا شد که آن روزها مسئول صفحه شعر و ادب هفت‌تار چنگ بود و نخستین شعرش سال ۱۳۳۲ زمانی که تنها ۱۱ سال داشت، در نخستین شماره مجله روشنفکر به



محمدعلی بهمنی

فریدون شهبازیان

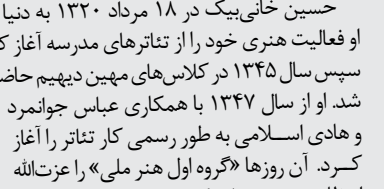
فریدون شهبازیان، موسیقیدان، آهنگساز و رهبر ارکستر برجسته که ۲۱ خرداد سال ۱۳۲۱ در تهران متولد شد، فرزند حسین شهبازیان بود که خود یک نوازنده ویلن، رهبر ارکستر و از شاگردان ابوالحسن صبا بود و به عنوان یکی از چهره‌های شاخص موسیقی کلاسیک ایران شناخته می‌شد. فریدون شهبازیان در ۱۷ سالگی به عضویت ارکستر سفونیک تهران درآمد و پس از آن همکاری خود را با ارکستر گل‌های رادیو آغاز کرد که در آن هنگام به رهبری روح‌الله خالقی، خالق سرود ای ایران و پس از او جواد معروفی فعالیت می‌کرد. شهبازیان در سال ۱۳۴۵، رهبر گروه کر و ارکستر سفونیک رادیو شد. شهبازیان پس از پیروزی انقلاب و در دهه ۶۰ آهنگسازی برای فیلم‌ها را هم آغاز کرد و در کنار آن به همراه علی معلم دامغانی، شورای موسیقی را در صداوسیمای تشکیل دادند. تعدادی از آثار با کلام فریدون شهبازیان را خوانندگانی مثل محمدرضا شجریان، علیرضا



فریدون شهبازیان

هوشنگ حریرچیان

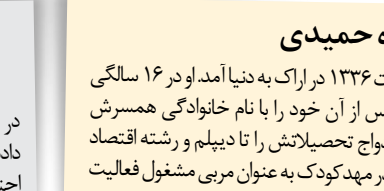
هوشنگ حریرچیان متولد ۲۰ مرداد ۱۳۱۱ بود که فعالیت هنری خود را از ۱۶ سالگی - دی ۱۳۲۶ - در تئاتر اصفهان با مدیریت ناصر فرهنگساز آغاز کرد. در شهریور ۱۳۳۲ به تئاتر سپاهان با مدیریت علی صدیقی پیوست و در سال ۱۳۳۸ رسماً در رادیو اصفهان به عنوان هنرمند، گوینده، تهیه‌کننده، گزارشگر، کارگردان و مجری برنامه‌های تفریحی - هنری شروع به کار کرد و در سال ۱۳۴۸ با سریال عکاس‌باشی برای نخستین بار مقابل دوربین قرار گرفت. سال‌ها بعد از آن حریرچیان با فیلم «جعفرخان از فرنگ برگشته» به کارگردانی علی حاتمی در سینما حضور یافت. باز هم سال‌ها گذشت و سرانجام هوشنگ حریرچیان با مجموعه تلویزیونی «آشپزباشی» دیده شد و سپس با نقش پدر دکتر نیما افسار در سریال «ساختمان



هوشنگ حریرچیان

حسین خانی‌بیک

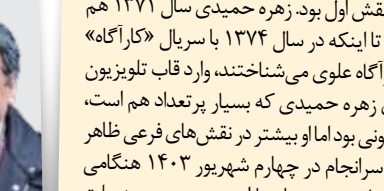
حسین خانی‌بیک در ۱۸ مرداد ۱۳۲۰ به دنیا آمد. او فعالیت هنری خود را از تئاترهای مدرسه آغاز کرد و سپس سال ۱۳۴۵ در کلاس‌های مهین دهبیم حاضر شد. او از سال ۱۳۴۷ با همکاری عباس جوانمرد و هادی اسلامی به طور رسمی کار تئاتر را آغاز کرد. آن روزها «گروه اول هنر ملی» را عزت‌الله انتظامی، محمدعلی کشاورز، علی نصیریان و جمیله شبخیزی تشکیل می‌دادند و عده‌ای از جوان‌ترها گروه دیگری به نام «گروه دوم هنر ملی» تشکیل دادند که اعضای آن از هنرمندانی چون حسین خانی‌بیک، خسرو شکیبایی، سیروس جرجستانی، رقیه



حسین خانی‌بیک

زهرة حمیدی

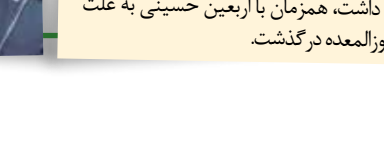
زهرة ربیعی مطمئن ۸ اردیبهشت ۱۳۳۶ در اراک به دنیا آمد. او در ۱۶ سالگی با حسین حمیدی ازدواج کرد و پس از آن خود را با نام خانوادگی همسرش معرفی می‌کرد. حمیدی پس از ازدواج تحصیلاتش را تا دیپلم و رشته اقتصاد ادامه داد. او بین سال‌های ۶۷ تا ۶۹ در مهد کودک به عنوان مربی مشغول فعالیت بود تا اینکه به تشویق یکی از دوستانش یعنی منیژه حکمت که تهیه‌کننده و کارگردان سینما بود وارد این عرصه شد. به عبارتی ورود زهره حمیدی به بازیگری کاملاً به طور اتفاقی رقم خورد. او نخستین بار سال ۱۳۶۹ در ۳۳ سالگی در فیلم «دلوران کوچه دلگشا» به کارگردانی «حسن هدایت» جلوی دوربین رفت و در این فیلم بازیگر نقش اول بود. زهره حمیدی سال ۱۳۷۱ هم در فیلم «خوش‌خیال» بازی کرد تا اینکه در سال ۱۳۷۴ با سریال «کارآگاه» که خیلی‌ها به عنوان کارآگاه علوی می‌شناختند، وارد قالب تلویزیون شد. عمده کارهای زهره حمیدی که بسیار پر تعداد هم است، سریال‌های تلویزیونی بود اما او بیشتر در نقش‌های فرعی ظاهر می‌شد. حمیدی سرانجام در چهارم شهریور ۱۴۰۳ هنگامی که ۶۷ سال داشت، همزمان با اربعین حسینی به علت سرطان لوزالمعده درگذشت.



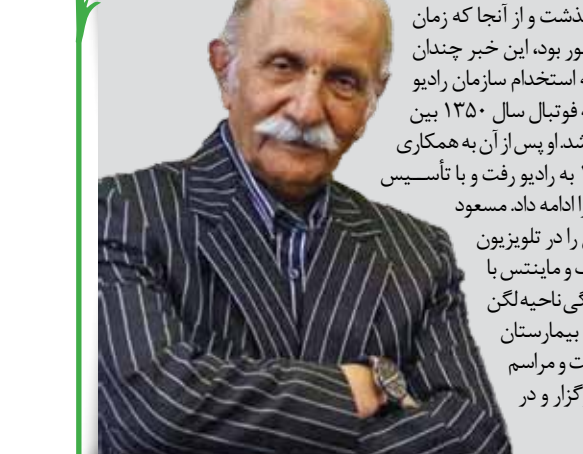
زهرة حمیدی

منوچهر والی‌زاده

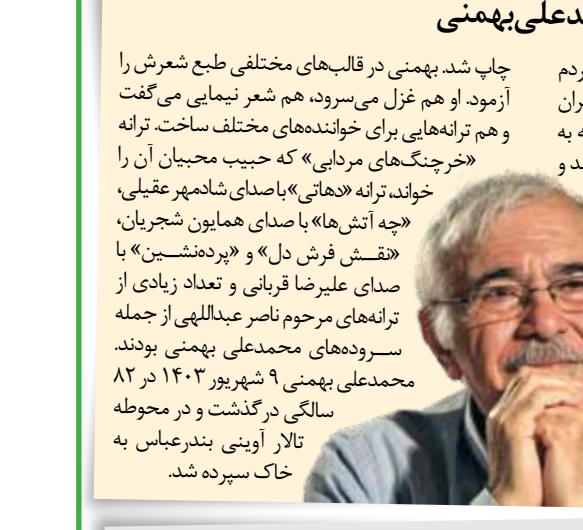
وقتی در نخستین روز از اسفندماه سال ۱۴۰۳ خبر درگذشت منوچهر والی‌زاده در ۸۴ سالگی منتشر شد، خیلی‌ها احساس کردند که یک هنرمند جوان را از دست داده‌ایم. این به خاطر صدای او، به خاطر شوخ‌طبعی‌هایش در اجرا و به دلیل شخصیت اجتماعی و عمومی‌اش بود. خودش می‌گفت بعد از اینکه این همه دوبله انجام داده و حتی در سینما جلوی دوربین بازی کرده است، مردم وقتی در جایی او را می‌بینند و صدایش را می‌شنوند بلافاصله می‌گویند آیا شما کسی هستید که به جای لوک خوش‌شانس حرف زدید؟ والی‌زاده در دهه ۴۰ شمسی وارد سینما هم شد و در تعدادی از فیلم‌ها بازی کرد اما تعداد این آثار محدود بود و او هم پس از مدتی مجدداً به کار دوبله برگشت. او غیر از انیمیشن سریالی لوک خوش‌شانس در ری‌انیمیشن‌های سینمایی داستان اسپازبی هم به جای یک کلبوی دیگر به نام وودی حرف زد. در سری‌های ادم و سوم فیلم پدرخوانده هم نقش ویتو کورلونه جوان با بازی درام و دنبرو را منوچهر والی‌زاده اجرا کرد و در مارتیکس و جان ویک به جای کینا ریوز صحبت کرد. به علاوه تمام نقش‌های تام هنکس با صدای والی‌زاده در ایران دوبله شدند.



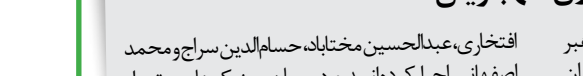
منوچهر والی‌زاده



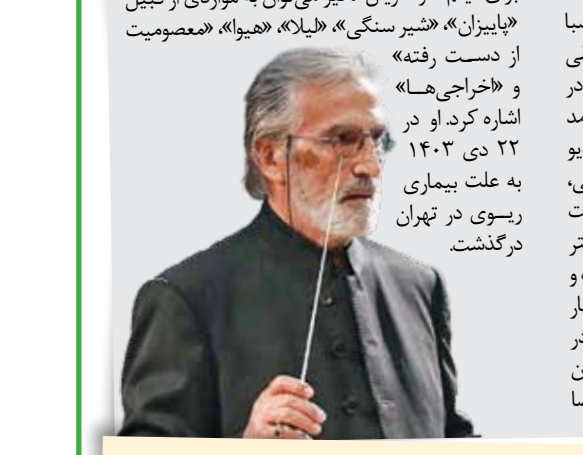
مسعود اسکویی



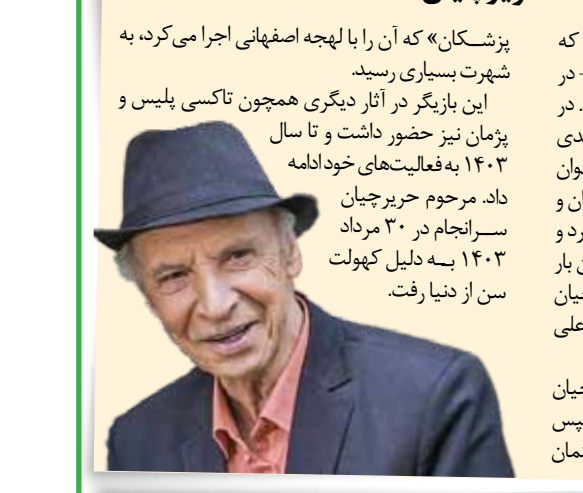
محمدعلی بهمنی



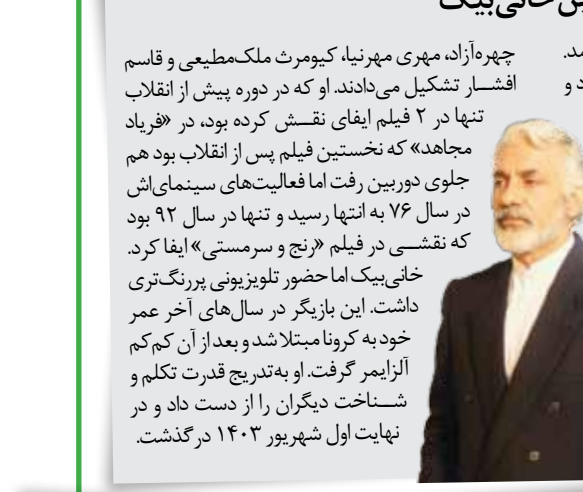
فریدون شهبازیان



هوشنگ حریرچیان



حسین خانی‌بیک



زهرة حمیدی



منوچهر والی‌زاده